

عفو بین الملل

بیانیه عمومی

۷ مرداد ۱۳۹۸

اظهارات مصطفی پورمحمدی درباره کشتار ۶۷ تائیدی است بر بی اعتنایی کامل ایران به قوانین بین المللی حقوق بشر

سازمان عفو بین الملل در بیانیه‌ی اظهارات اخیر مصطفی پورمحمدی، مشاور رئیس قوه قضائیه و وزیر سابق دادگستری ایران، در دفاع از اعدام‌های فراقضایی گسترده سال ۱۳۶۷ را گواه تکان‌دهنده‌ای در تأیید این نکته دانسته است که مقام‌ها و مسئولان ایرانی در آن زمان و تا به امروز عمده‌ترین قوانین بین‌المللی حقوق بشر را مورد بی‌اعتنایی آشکار قرار داده‌اند. به گفته‌ی عفو بین الملل، این اظهارات همچنین بار دیگر به شکل برجسته نشان می‌دهد که مقام‌های ارشد درگیر در آن کشتارها خود را مصون از محاکمه و مجازات می‌بینند.

این سازمان به ویژه نگران آن بخش از اظهارات مصطفی پورمحمدی است که مدافعان کشف حقیقت و دادخواهی را به دفاع از «تروریسم» و «همدستی» با دشمنان ایران در منطقه متهم می‌کند و هشدار می‌دهد که این افراد مورد تعقیب کیفری و محاکمه قرار خواهند گرفت. این اظهارات، به موازات انتصاب ابراهیم رئیسی به سمت ریاست قوه قضائیه در فروردین ۱۳۹۸ (کسی که همانند مصطفی پورمحمدی در اعدام‌های فراقضایی گسترده سال ۱۳۶۷ دخالت داشته)، بازماندگان کشتارها، اعضای خانواده‌های اعدام‌شدگان و مدافعان حقوق بشر را بیش از پیش در معرض این خطر قرار می‌دهد که صرفاً به دلیل تلاش برای کشف حقیقت و برقراری عدالت مورد آزار و تعقیب قضایی قرار گیرند.

مقام‌های سابق و فعلی ایران نباید اجازه پیدا کنند تا از طریق پخش نظام‌مند اطلاعات غلط و تهدید و تلافی جویی علیه کسانی که به دنبال افشای حقایق اعدام‌های گسترده سال ۱۳۶۷ هستند، خود را از هر گونه پاسخ‌گویی مصون نگه دارند.

از همین رو، عفو بین الملل بار دیگر از سازمان ملل و کشورهای عضو درخواست می‌کند که علناً و قاطعانه در مقابل مصونیت سازمان‌یافته‌ی افراد متهم به ارتکاب جنایات علیه بشریت در ایران موضع‌گیری کنند. عفو بین الملل در گزارشی در دسامبر ۲۰۱۸ با عنوان [«سرار به خون آغشته: چرا کشتار ۱۳۶۷ جنایتی علیه بشریت است که همچنان ادامه دارد؟»](#) نتیجه گرفته است که اعدام‌های سال ۱۳۶۷ مصداق «جنایات علیه بشریت» است؛ این جنایات علاوه بر جرم اعدام فراقضایی، جرم ناپدیدسازی قهری را نیز با توجه به استمرار سازمان‌یافته‌ی پنهان‌کاری در مورد سرنوشت قربانیان و محل دفن اجساد مطابق با حقوق بین‌المللی کیفری در بر می‌گیرند.

جامعه‌ی بین‌المللی باید به دنبال ایجاد مسیرهای مشخص و مؤثر برای کشف حقیقت و اجرای عدالت باشد، در راستای تلاش برای تضمین این که متهمان به دست داشتن در این جنایات محاکمه شوند؛ این محاکمه‌ها باید منصفانه و بدون توسل به مجازات اعدام برگزار شوند. بازماندگان و خانواده‌های قربانیان باید از غرامت‌های مطابق با موازین بین‌المللی برخوردار شوند. این جبران خسارت باید شامل تسهیل در استرداد اجساد قربانیان به خانواده‌هایشان و همچنین فراهم آوردن امکان خاکسپاری و برگزاری آیین سوگواری برای آنان باشد.

تحریف ماهیت و شرایط وقوع کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷

در مصاحبه‌ای که هفته‌نامه‌ی «مثلت» در ۳ مرداد ۱۳۹۸ منتشر کرده است، مصطفی پورمحمدی در رابطه با ادامه‌ی انتقادات از جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعدام‌هایی که به دنبال حمله‌ی مسلحانه‌ی سازمان مجاهدین خلق به خاک ایران در مرداد ۱۳۶۷ انجام داد، مورد سوال قرار می‌گیرد؛ مصاحبه‌کننده همچنین به طور مشخص درباره اعدام کسانی می‌پرسد که در زندان بوده و «توبه» نکرده بودند.

مصطفی پورمحمدی، در جواب، جانباختگان را «جنایتکار» و «تروریست» می‌نامد و این طور القا می‌کند که موقتاً با تخفیف مجازات و تعلیق حکم اعدام آن‌ها موافقت شده بوده اما، بعد از آن که مخفیانه از داخل زندان با سازمان مجاهدین خلق «همدستی» کرده و برای پشتیبانی و پیوستن به حمله‌ی مسلحانه‌ی آن «توطئه» کردند، باید با آن‌ها مقابله می‌شد. او در ادامه بر بحث همکاری نظامی آن سازمان با صدام حسین، رئیس‌جمهور سابق عراق، در جریان جنگ ایران و عراق تمرکز می‌کند.

اظهارات مصطفی پورمحمدی در راستای تبلیغ همان روایت‌های خلاف واقع است که دهه‌ها است مقام‌ها و مسئولان ایرانی به کار می‌گیرند، برای کتمان این حقیقت که در فاصله‌ی مرداد تا شهریور ۱۳۶۷ هزاران مخالف و دگراندیش سیاسی را به صورت محرمانه، به عنوان بخشی از تلاش‌های سازمان‌یافته برای نابود کردن مخالفان سیاسی، قهرماً ناپدید کرده و به شیوه‌ی فراقضایی اعدام کردند.

برخلاف آنچه این روایت‌ها ادعا کرده و تصویر مخوفی از قربانیان به عنوان «تروریست» و «قاتل» ارائه می‌کنند، کسانی که در سال ۱۳۶۷ قهرماً ناپدید شده و به شیوه‌ی فراقضایی اعدام شدند اکثراً مردان و زنان جوان و بعضاً نوجوانانی بودند که ناعادلانه به زندان افتاده بودند، به دلیل عقاید سیاسی‌شان و اقدامات سیاسی غیرخشونت‌باری نظیر پخش کردن روزنامه‌ها و جزوات مخالفان حکومت، شرکت در تظاهرات، جمع کردن کمک‌های مالی برای خانواده‌های زندانیان، یا مراوده با کسانی که درگیر فعالیت‌های سیاسی بودند.

بعضی از زندانیان، بدون این که اصلاً محاکمه و محکوم شده باشند، خودسرانه در زندان نگه داشته شده بودند؛ بعضی از آنان دوره‌های حبس ناعادلانه‌ای، از حبس ابد تا دوره‌های کوتاه‌تر دو سه ساله، را سپری می‌کردند؛ بعضی از زندانیان نیز دوره‌ی محکومیت‌شان را سپری کرده و قرار بود به زودی آزاد شوند، یا به آن‌ها گفته شده بود که چون به راستی «توبه» نکرده‌اند همچنان در زندان نگه‌شان می‌دارند.

شایان توجه است که ناپدیدسازی قهری و اعدام فراقضایی در هر شرایطی، فارغ از آن که قربانی به ارتکاب چه عملی متهم شده باشد، ممنوع است. در چارچوب قوانین بین‌المللی، ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های فراقضایی گسترده و سازمان‌یافته‌ی سال ۱۳۶۷ به منزله‌ی جنایات علیه بشریت به شمار می‌رود.

فراتر از این، مقام‌ها و مسئولان ایرانی هرگز توضیحی در این باره ارائه نکرده‌اند که چگونه امکان داشته آن هزاران زندانی گرفتار در زندان‌های فوق‌امنیتی توانسته باشند با اعضای سازمان مجاهدین خلق در خارج کشور ارتباط برقرار کرده یا در حمله‌ی مسلحانه‌ی آن ایفای نقش کرده باشند. شهادت‌های بازماندگان در مورد او ضاع زندان‌ها و مستندات رسمی که به بیرون درز کرده همگی بر این نکته صحنه می‌گذارد که در بازجویی‌های انجام شده در فاصله‌ی مرداد تا شهریور ۱۳۶۷، زندانیان به اتهام همدستی پنهانی با سازمان مجاهدین خلق مورد بازجویی قرار نگرفته‌اند.

علاوه بر این، فقط زندانیان وابسته به سازمان مجاهدین خلق قربانی اعدام‌های گسترده سال ۱۳۶۷ نشدند؛ صدها نفر از زندانیان وابسته به گروه‌های اپوزیسیون چپ و کردهای مخالف حکومت هم از قربانیان این کشتار بودند.

بی‌اعتنایی به قوانین و موازین بین‌المللی

مصطفی پورمحمدی در اظهارات خود، بدون هیچ‌گونه دلیل منطقی، اعدام‌های فراقضایی گسترده در سال ۱۳۶۷ را با تلفات در میدان جنگ مقایسه می‌کند و با تمسخر می‌پرسد: «انتظار این است که، در وسط میدان جنگ، از بحث‌های حقوقی و مراقبت‌های شهروندی و انسانی حرف بزنم؟»

این اظهارات نشانه‌ی بی‌اعتنایی کامل مقام‌ها و مسئولان ایرانی به قوانین و موازین بین‌المللی است، و از قضا بر حقیقت هولناکی صحنه می‌گذارد که بازماندگان کشتارها و مدافعان حقوق بشر از مدت‌ها پیش افشا کرده‌اند، این که روال‌های مسبب اعدام‌های گسترده در سال ۱۳۶۷ ماهیتی به شدت خودسرانه داشته و از هیچ‌یک از خصوصیات یک روال قضایی مطابق با موازین بین‌المللی برخوردار نبوده است. اعدام‌ها به دنبال برگزاری جلسات بازجویی در حضور هیأت‌هایی انجام می‌شد که بازماندگان با عنوان «هیأت‌های مرگ» از آن‌ها یاد می‌کنند؛ این هیأت‌ها متشکل از مقام‌های قضایی، دادستانی و اطلاعاتی بوده و هدف این مقام‌ها تفتیش عقاید سیاسی زندانیان و صدور حکم اعدام برای کسانی بود که حاضر به ابراز ندامت و «توبه» نبودند.

تهدید کسانی که به دنبال کشف حقیقت و اجرای عدالت اند

مصطفی پورمحمدی در مصاحبه‌اش گردآوری مستندات مربوط به اعدام‌های فراقضایی گسترده در سال ۱۳۶۷ و محکوم کردن این اعدام‌ها را به منزله‌ی حمایت از «تروریسم» و سازمان مجاهدین خلق دانسته و می‌گوید: «الان ... وقت زمین‌گیر کردن و محاکمه کردن است. وقت بر سر جای نشاندن دنیای جنایتکار که از تروریسم دفاع می‌کند است.»

او همچنین بر ضرورت محرمانه نگه داشتن اسناد و سوابق رسمی مربوط به این اعدام‌ها تأکید کرده و ادعا می‌کند که انتشار نوار جلسه اعضای «هیأت مرگ» تهران با حسینعلی منتظری بخشی از «عملیات مشترک آمریکا، سی‌آی‌ای، موساد، و عربستان» به منظور راه‌اندازی «موج جدید براندازی در ایران» بوده است.

چنین اظهاراتی بازماندگان، اعضای خانواده‌های قربانیان و مدافعان حقوق بشری که به دنبال کشف حقیقت و اجرای عدالت اند را بیش از پیش در معرض خطر آزار، ارباب، بازداشت و حبس خودسرانه، و محاکمه به اتهام واهی «اقدام علیه امنیت ملی» قرار می‌دهد.

مصونیت از مجازات به شکل سازمان‌یافته

مصطفی پورمحمدی در مصاحبه‌اش در واکنش به درخواست حسابرسی و دادخواهی در خصوص اعدام‌های سال ۱۳۶۷ می‌گوید که عوامل دشمن «تمام بوق‌های تبلیغاتی» را روی این «قصه» متمرکز کرده‌اند تا «فضای روانی» خصمانه‌ای ایجاد کرده و از «جهالت و حماقت» عده‌ای بهره‌برداری کنند.

او در مورد نقش خودش در آن اعدام‌ها، موقعیت خودش را با موقعیت «تیراندازی» مقایسه می‌کند که موظف است دشمن را با گلوله را بزند و می‌گوید نباید او را مؤاخذه کرد اگر «حالا این گلوله آن وسط به یک روستا هم می‌خورد». او توضیح می‌دهد: «من در خاکریز، دارم تیراندازی می‌کنم. جلویم حالا یک آدمی یک بار آمده برای بازدید از خط آنجا. نیروی جنگنده با من نیست. ولی خب من وظیفه‌ام این است بزنمش و می‌زنمش. من دارم گلوله می‌اندازم. این گلوله را می‌اندازم در آنجا. بغلش به یک روستا هم می‌خورد ولی دشمن ایستاده آن طرف. شما از من سوال می‌کنی چرا در روستا خمپاره انداختی؟» او می‌افزاید: «ما کلی شهید دادیم، تلفات دادیم، شکست خوردیم، مردم ما بمباران شدند، موشک‌باران شدند، به خاطر منافقین. حالا من بیایم جواب حقوقی بدهم که فلان خمپاره را آنجا اشتباهی انداختم یا درست عمل کردم؟»

چنین اظهاراتی این نکته را برجسته می‌کنند که مصونیت از مجازات به شکل سازمان‌یافته در ایران حاکم است و مقام‌های ارشدی که در اعدام‌های فراقضایی گسترده دخالت داشته‌اند اطمینان خاطر دارند که هرگز مورد محاکمه و مجازات قرار نمی‌گیرند. فاجعه‌بارتر آن که این افراد منصب‌های بسیار مهم و متنفذی را از جمله در همان تشکیلات شاخص قضایی و حکومتی در اختیار دارند که مسئول تضمین برقراری قانون و کشف حقیقت و اجرای عدالت به شمار می‌روند. به علاوه، این افراد از فرصت‌های فراوانی برای پخش اطلاعات غلط، منحرف کردن انتقادات و تحکیم مصونیت خود از محاکمه و مجازات برخوردار می‌شوند.

این وضعیت هرچه بیشتر ایجاب می‌کند که سازمان ملل و کشورهای عضو در مقابل روال سازمان‌یافته‌ی مصونیت از مجازات در رابطه با اعدام‌های فراقضایی گسترده در سال ۱۳۶۷ و ادامه‌ی پنهان‌کاری در مورد سرنوشت قربانیان و محل دفن اجساد آنان علناً و قاطعانه موضع‌گیری کنند.

قصور در انجام این اقدام منجر به جسورتر شدن مقام‌ها و مسئولان ایرانی در ادامه دادن به انکار حقیقت و بدرفتاری بیشتر با بازماندگان، اعضای خانواده‌های قربانیان و سایر افرادی می‌شود که به دنبال کشف حقیقت و اجرای عدالت اند. این وضعیت تأثیر بسیار مخربی نه فقط بر بازماندگان و خانواده‌های قربانیان بلکه همچنین بر قانون‌مداری و رعایت حقوق بشر در این کشور دارد.

از همین رو، عفو بین‌الملل بار دیگر سازمان ملل و کشورهای عضو را به ایجاد مسیرهای مشخص و موثری برای کشف حقیقت، اجرای عدالت و جبران خسارت فرا می‌خواند. این مسیرها باید تضمین‌کننده‌ی آن باشد که

- حقایق مربوط به اعدام‌های فراقضایی گسترده در سال ۱۳۶۷، از جمله شمار اعدام‌شدگان آن سال، هویت آن‌ها، تاریخ، مکان، علت، و شرایط ناپدیدسازی قهری و اعدام فراقضایی آن‌ها، و محل دفن اجسادشان، افشا می‌شود؛
- مسئولان متهم به دست داشتن در این جنایت‌ها به شکل منصفانه و بدون درخواست مجازات اعدام، محاکمه می‌شوند؛ و
- خانواده‌های قربانیان از غرامت‌های مطابق با موازین بین‌المللی برخوردار می‌شوند.